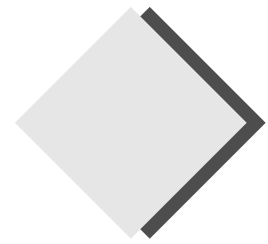


فرانسه، راه طولانی مردمسالاری و انتخابات بهار آینده

ابوتراب مستوفی



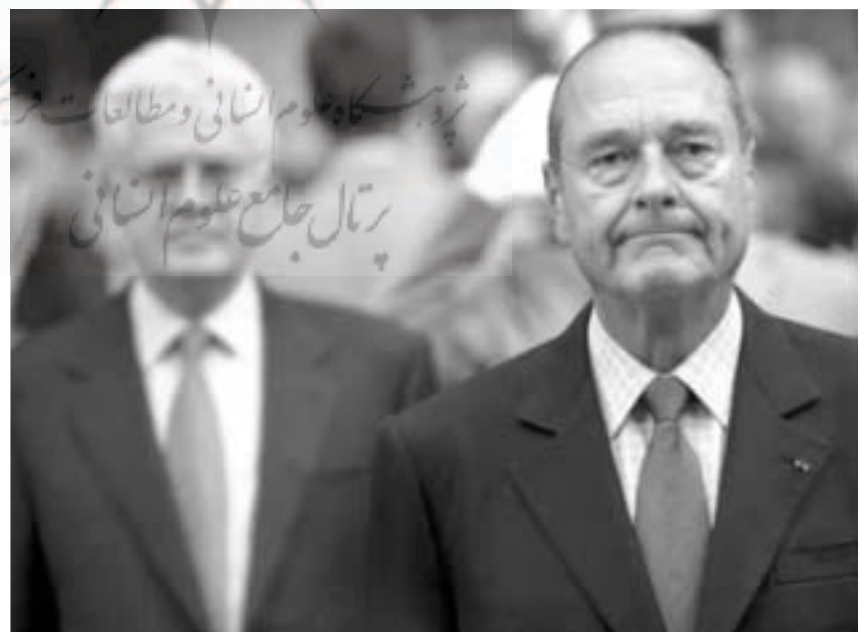
لویی هیجدهم و شارل دهم تا سال ۱۸۳۰ بر فرانسه حکومت کردند. در این سال پارسی ها بر شارل دهم که تلاش می کرد استبداد را برقرار کند، شوریدند و پس از سه روز نبرد که در تاریخ فرانسه «سه روز باشکوه» لقب گرفته است، پادشاه را به استعفا واداشتند و برای دومین بار به تبعید فرستادند. پس از شارل دهم، لوی فیلیپ اول از شاخه ی دیگری از خاندان بوربون به پادشاهی رسید. وی که در آغاز، خود را مدافع دموکراسی نشان میداد در سال ۱۸۴۸ به نوبه ی خود به خودکامگی گرایید و باز پارسی ها سر به شورش برداشتند و لویی فیلیپ را نیز وادار به استعفا کردند. پس از استعفای آخرین پادشاه بوربون، برای دومین بار در فرانسه جمهوری اعلام شد. در جمهوری دوم فرانسویها، البته تنها مردان فرانسوی، برای نخستین بار این حق را یافتند که رئیس جمهوری را با رأی مستقیم برگزینند.

۱۰ میلیون فرانسوی در سال ۱۸۴۸ به پای صندوق های رأی رفتند و لویی ناپلئون بناپارت را به عنوان نخستین رئیس جمهوری فرانسه انتخاب کردند. بسیاری از رأی دهندگان او را نوه امپراتور ناپلئون بناپارت می پنداشتند در حالیکه وی برادرزاده ناپلئون بود. اما لویی ناپلئون که نمی خواست از امتیاز بستگی خانوادگی با امپراتوری بهره بماند، در سال ۱۸۵۲ تاج عموجاننش را بر سر گذاشت و خود را امپراتور نامید. و به این ترتیب، مقام ریاست جمهوری در فرانسه از میان رفت تا سال ۱۸۷۱ که پس از شکست لوئی ناپلئون بناپارت از آلمان و سرنگونی «امپراتوری دوم» مجلس ملی فرانسه ادولف تییر (Adolphe Thiers) را به عنوان رئیس قوه مجریه برگزید و عنوان رئیس جمهوری را به وی اعطا کرد. به این ترتیب سومین جمهوری فرانسه آغاز شد و تا سال

کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری این کشور را به آگاهی برسانیم.
جمهوری فرانسه در گرماگرم تنشهای انقلابی، در روز ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ (۳۰ شهریور ۱۱۷۱) زاده شد. در آن روزها کسی به فکر «انتخاب» رئیس جمهوری نبود. هر کس قدرت داشت، حاکمیت خودش را اعمال میکرد. حکومت در واقع از آن کسانی بود که از ۱۷۹۲ تا ۱۷۹۵ کنوانسیون را در اختیار داشتند و پس از آن، از ۱۷۹۵ تا ۱۷۹۹ رژیم هیئت مدیره را و از ۱۷۹۹ تا ۱۸۰۴ رژیم کنسولی را. نخستین جمهوری فرانسه در برابر آرزوهای امپراتوری ناپلئون بناپارت از پا درآمد.
پس از شکست نهایی ناپلئون از متفقین در جنگ واترلو، در سال ۱۸۱۵ (۱۱۹۴ خورشیدی) پادشاهی بوربونها دوباره به فرانسه بازگشت و دو برادر لویی شانزدهم با نامهای

روز ۲۱ آوریل ۲۰۰۲ (اول اردیبهشت ۱۳۸۱) دور اول انتخابات ریاست جمهوری برگزار می شود. صرفنظر از اثری که این انتخابات بر اوضاع سیاسی قاره اروپا و جهان می گذارد، برگزاری آن فرصتی است تا بتوان روند نهادینه شدن مردمسالاری در فرانسه را مرور و ارزیابی کرد. این امر بویژه از آن رو حائز اهمیت است که خیلی ها گمان می کنند وقوع انقلاب کبیر فرانسه مرادف با حاکمیت بلا منازع مردمسالاری در این کشور است، حال آن که فرانسویان برای رسیدن به وضعی که اکنون دارند، فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته و تاوان های سختی هم پرداخته اند.

در این نوشتار برآنیم ابتدا مسیری را که ملت فرانسه پس از انقلاب گذرانده به طور گذرا مرور کنیم و در پایان موفقیت و سابقه



کدامیک: ژوسپین یا شیراک؟

۱۹۴۰ ادامه یافت. در این مدت چهارده تن بر جمهوری فرانسه ریاست کردند. در سال ۱۹۴۰، در پی شکست ارتش فرانسه از آلمان نازی، مجلس ملی فرانسه اختیار تام برای اداره امور کشور را به مارشال فیلیپ پتن اعطا و انحلال خود را اعلام کرد. مارشال پتن بدلیل ناشی از شکست و اشغال نظامی بیگانه و برخی علل دیگر که از موضوع این نوشتار خارج است، عنوان «جمهوری فرانسه» را به «دولت فرانسه» تغییر داد و به این ترتیب پرونده جمهوری سوم هم بسته شد. اما فرانسویها به رهبری ژنرال شارل دوگل توانستند از زیربار ننگ شکست و تسلیم شانه خالی کنند و در کنار سه کشور دیگر فاتح جنگ قرار گیرند. ژنرال دوگل که در ماه اوت ۱۹۴۴ پیروزمندانه وارد پاریس شد، بار دیگر «جمهوری فرانسه» را برقرار کرد و این شد جمهوری چهارم.

نخستین رئیس جمهوری برخلاف انتظار، شارل دوگل نبود. او که از بازیهای سیاسی رهبران حرفه ای احزاب به تنگ آمده بود، در سال ۱۹۴۶ به حال قهر پاریس را ترک کرد و به خانه اش در روستای کلمبه له روز اگلیز (Colombey-les-deux-eglises) رفت. قهری که ۱۲ سال ادامه یافت. در جمهوری سوم و جمهوری چهارم، رئیس جمهوری با رأی مشترک نمایندگان مجلس ملی و سنا برگزیده می شد و نه با رأی مستقیم مردم.

وقتی که در سال ۱۹۵۸ در برابر انبوه مشکلات داخلی و خارجی، بالا گرفتن جنگ در الجزایر و بی ثباتی دولتها، فرانسویها چاره ای نیافتند جز اینکه به سراغ ژنرال دوگل بروند، او بازگشتش به کار دولت را به تقویت قوه مجریه و افزایش اختیارات رئیس جمهوری، و در نتیجه تجدید نظر در قانون اساسی مشروط کرد. شرطی که پذیرفته شد و دوگل قانون اساسی تازه را. که به جمهوری پنجم معروف شد. در اکتبر ۱۹۵۸ (۱۳۳۷ خورشیدی) به تصویب رسانید.

او همچنین در سال ۱۹۶۲ با مراجعه به آرای عمومی از طریق رفراندوم، انتخاب رئیس جمهوری با رأی مستقیم مردم را بار دیگر برقرار کرد. روسای جمهوری در فرانسه برای مدت هفت سال انتخاب می شدند و می توانستند به دفعات نامحدود خود را برای انتخاب مجدد

نامزد کنند. تعیین مدت هفت ساله برای ریاست جمهوری در واقع یک مانور سلطنت طلبها بود که در سال ۱۸۷۵ گمان می کردند به این ترتیب برای بازگرداندن پادشاهی فرصت کافی در اختیار خواهند داشت.

در سپتامبر سال ۲۰۰۰ فرانسویها در یک رفراندوم به کاهش دوره ریاست جمهوری از هفت سال به پنج سال رأی می دادند. بنابراین دوره حکومت کسی که به جانشینی ژاک شیراک انتخاب شود، برای نخستین بار ۵ سال خواهد بود.

رئیس جمهوری فرانسه نخست وزیر را، و به پیشنهاد او وزیران را منصوب می کند. شورای وزیران در کاخ الیزه به ریاست رئیس

اگر اتفاق خاصی نیفتد،

از هم اکنون می توان با

قاطعیت گفت که ژاک

شیراک و لیونیل

ژوسپن به دور دوم

انتخابات آتی ریاست

جمهوری راه می یابند

جمهوری تشکیل می شود. دستور اجرای قوانین و نیز تصویب نامه ها و فرمانهای دولت را امضاء می کند. می تواند شخصا و مستقیما طرحهایی را از طریق رفراندوم برای تصویب به ملت عرضه کند و در صورت لزوم، مجلس ملی و سنا را منحل کند و برای اینکه بازی انحلال زیاد تکرار نشود، قانونگذار پیش بینی کرده است که مجلسی را که کمتر از یکسال از انتخابش گذشته باشد، نمی شود منحل کرد. در فرانسه رئیس جمهوری فرمانده کل نیروهای مسلح است و در زمینه قضایی حق دارد محکومان دادگاه ها را ببخشد.

کاخ الیزه در پاریس بعنوان محل کار و اقامت، کاخ مارینی بعنوان مهمانسرا، کاخ رامبویه و شکارگاهش، شکارگاههای مارلی و سوزی-لا-بریش و دژ برگانسون در جنوب فرانسه در کنار دریای مدیترانه به عنوان خانه

بیلاقی باخدمه و حشم و محافظدر اختیار رئیس جمهوری فرانسه قرار دارند. رئیس جمهوری هر ماه شش هزار و سیصد و هشت و اورو ۳۷ سنت حقوق دریافت می کند.

برای جلوگیری از اینکه کار نامزدی انتخابات ریاست جمهوری به تفریح و شوخی کشیده شود، قانون اساسی فرانسه پیش بینی کرده است که هر نامزد باید امضای ۵۰۰ معرف برگزیده یا منتخب را به عنوان تأیید کننده صلاحیت جمع آوری و حداکثر تا بیست روز پیش از نخستین دور انتخابات به شورای قانون اساسی ارائه کند. این منتخب ها عبارتند از نمایندگان مجلس ملی، سناتورها، نمایندگان پارلمان اروپا، شهرداران و اعضای انجمنهای استان. ۵۰۰ معرف هر نامزد باید دست کم از ۳۰ شهرستان مختلف باشند و بیش از ۵۰ امضاء از یک شهرستان نیز پذیرفته نمی شود. شورای قانون اساسی کمتر از یک هفته وقت دارد تا معرفی نامه ها را بررسی کند و فهرست نهایی نامزدهای شرکت کننده در انتخابات ریاست جمهوری را دو هفته پیش از دور اول انتخابات اعلام نماید.

اما برای شروع تبلیغات نامزدها منع و محدودیت زمانی وجود ندارد و آنها از هر وقت که بخواهند می توانند فعالیت انتخاباتی خود را شروع کنند. در این دوره، لیونیل ژوسپن نامزدی اش را تنها دو ماه مانده به انتخابات اعلام کرد در حالیکه شارل پاسکوا، ژان مازی لوپن و الن مادلن از یکسال پیش اعلام کرده اند که نامزد ریاست جمهوری هستند و از همان هنگام نیز هر یک به فراخور امکاناتی که دارند تبلیغات و فعالیت انتخاباتی خود را آغاز کرده اند.

ممکن است عجیب باشد، ولی واقعیت دارد که قانون، پیش بینی کرده است مردم فرانسه حق ندارند کسی را برخلاف میل و رضایت خودش به ریاست جمهوری انتخاب کنند. به همین سبب، وقتی که در فردای اعلام نتایج رسمی انتخابات، رئیس جمهوری منتخب فهرست کامل دارائی خود و بستگان درجه اولش را به شورای قانون اساسی اعلام می کند، باید میل و رضایت خود از این انتخاب را نیز کتبا به اطلاع این شورا برساند.

در فرانسه، مانند بسیاری دیگر از کشورهای اروپایی، نتایج انتخابات از ساعت

۲۰ روز برگزاری آن بتدریج اعلام می‌شود. اما رعایت همه‌ی تشریفات قانونی برای اعلام نتایج رسمی که بایستی پس از دریافت شکایات احتمالی صورت گیرد، چند روزی طول می‌کشد. در فرانسه معمولاً از دور دوم انتخابات تا روزی که رئیس‌جمهوری منتخب رسماً در کاخ الیزه حضور یابد و مراسم تحویل حکومت و مسئولیت انجام گیرد، ده روز فاصله در نظر گرفته می‌شود. رئیس‌جمهوری فرانسه در مدت حکومتش از مصونیت قانونی بهره‌مند است و جز در مورد خیانت به میهن نمی‌توان او را تحت تعقیب قرار داد.

حاکم‌های رئیس‌جمهوری تنها پس از تصویب متن یکسان در مجلس نمایندگان و سنا با اکثریت مطلق، در دادگاه عالی دادگستری میسر است. قضات این دادگاه را پارلمان تعیین می‌کند. در صورت مرگ، استعفا یا برکناری رئیس‌جمهوری، رئیس‌سنا بلافاصله کفالت ریاست‌جمهوری را برای مدتی که از ۲۰ روز کمتر و از ۳۵ روز بیشتر نخواهد بود بعهده می‌گیرد تا انتخابات برای گزینش رئیس‌جمهوری بعدی در همین فاصله زمانی برگزار شود. تاکنون ۳۳ نفر بر جمهوری فرانسه ریاست کرده‌اند. جوانترین آنها لویی ناپلئون بناپارت بود که هنگام انتخاب ۴۰ سال داشت. عنوان پیرترین رئیس‌جمهوری مشترکاً به ادولف تی‌یر (از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۳) و پل دومر (از ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۲) تعلق می‌گیرد که در سن ۷۴ سالگی به ریاست‌جمهوری رسیدند.

کوتاهترین دوره‌ی ریاست‌جمهوری فرانسه از آن پان‌کازیمیر-پریه است که پس از شش ماه در سال ۱۸۹۵ استعفا داد و طولانی‌ترین، به فرانسوا میتران که ۱۴ سال حکومت کرد، مربوط می‌شود. وی تنها رئیس‌جمهوری فرانسه است که دو دوره‌ی هفت ساله را به پایان رساند. (از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵)

برخلاف آمریکا و انگلستان که دو حزب بزرگ در انتخابات رودررو قرار می‌گیرند و گهگاه چهره‌ی سوم‌ی نیز روی صحنه نمایان می‌شود، در فرانسه همه‌ی احزاب چپ و راست و میانه و افراد با گرایش‌های گوناگون در انتخابات شرکت می‌کنند و به این ترتیب، حق انتخاب بیشتری در اختیار فرانسویان قرار می‌گیرد. نگاهی به فهرست نامزدهای انتخابات آینده ریاست‌جمهوری در فرانسه،

میزان آزادی‌دارندگان افکار و عقاید گوناگون برای شرکت فعال در سرنوشت سیاسی کشور را نشان می‌دهد:

- فرانسوا بایرو از «اتحاد برای دموکراسی فرانسه/UDF». استاد ادبیات کلاسیک. وزیر پیشین، نماینده پارلمان اروپا، راست میانه.

- اولیویه بزانسونو از «اتحادیه کمونیستهای انقلابی»، نامه‌رسان پست، جوانترین کاندیدا (۲۸ ساله).

- ژان پیرشونمان از «جنبش شهروندان». چپ ملی گرا، وزیر پیشین، نماینده مجلس.

- ژاک شیراک، از «اجتماع برای جمهوری/RPR». رئیس‌جمهوری کنونی، راست میانه، چهارمین نامزدی.

- دانیل گلوک اشتاین از «حزب کارگران»، چپ انقلابی، استاد تاریخ.

- روبر او از «حزب کمونیست فرانسه»، پرستار، شهردار مونتینی‌له کورمی و نماینده این شهر در مجلس ملی، دومین نامزدی.

- لیونیل ژوسپن، از «حزب سوسیالیست» نخست‌وزیر کنونی، دومین نامزدی.

- بریس لالوند، از «نسل محیط زیست»، وزیر پیشین، شهردار سن بریاک سورمر، دومین نامزدی.

- ژان ماری لوپن، از «جبهه ملی»، ناسیونالیست، کارفرما، وکیل پیشین مجلس ملی و پارلمان اروپا، چهارمین نامزدی.

- آلن مادلن، از «دموکراسی لیبرال»، وکیل دادگستری، وکیل مجلس ملی، وزیر پیشین، هوادار بی‌قید و شرط سرمایه‌داری.

- تونل مامر، از «سبزها»، روزنامه‌نگار، شهردار بگل و نماینده این شهر در مجلس ملی، هوادار حفظ محیط زیست و از نظر اجتماعی و اقتصادی چپ‌تر از حزب کمونیست.

- برونو مگره، از «جنبش ملی جمهوریخواه»، ناسیونالیست، مهندس راه و ساختمان، نماینده پیشین پارلمان.

- شارل پاسکوا، از «اجتماع برای فرانسه»، دست راستی، سناتور، وزیر پیشین، نماینده پارلمان اروپا.

- ژان سن ژوس، از «شکار، ماهیگیری، طبیعت، آداب و رسوم»، مخالف سرسخت احزاب هوادار حفظ محیط زیست، نماینده پارلمان اروپا.

- آنتوان وشر از «جنبش مستقل حفظ محیط زیست»، مهندس محیط زیست، نماینده پیشین پارلمان اروپا، دومین نامزدی.

و از میان زنان:

- ارلت لاگیه، از «مبارزه کارگری»، کمونیست تروتسکیست انقلابی، کارمند بازنشسته بانک، وی نخستین زنی است که در همه دوره‌ها خود را برای ریاست‌جمهوری کاندیدا کرده است. این دوره، پنجمین بار است که در انتخابات ریاست‌جمهوری به عنوان نامزد شرکت می‌کند.

- کریستین بوتن، از «اتحاد برای دموکراسی فرانسه»، روزنامه‌نگار، نماینده‌ی مجلس، وی بویژه بخاطر مبارزه‌اش علیه به رسمیت و قانونی شناخته شدن همجنس‌گرایی در فرانسه شهرت یافته است.

- گورین لوپاژ، از حزب «شهروندی، فعالیت و مشارکت برای قرن بیست و یکم»، وکیل دادگستری و وزیر پیشین محیط زیست. در اینجا شاید این توضیح بی‌مورد نباشد که امسال «اتحادیه برای دموکراسی فرانسه/UDF» که یکی از گروه‌های بزرگ سیاسی فرانسه بشمار میرود، با صفوف پراکنده وارد مبارزه‌ی انتخاباتی شده است.

در حالیکه فرانسوا بایرو، رئیس این اتحادیه خود را برای ریاست‌جمهوری نامزد کرده، فیلیپ دوست بلازی، دبیر کل اتحادیه از نامزدی ژاک شیراک پشتیبانی می‌کند و کریستین بوتن نیز بی‌اعتنا به آن دو، برای انتخاب خودش فعالیت و تبلیغ می‌کند.

- کریستیان توپیرا، از «حزب رادیکال چپ»، اقتصاددان، نماینده مجلس از گویان فرانسه (آمریکای جنوبی)^(۱)، نماینده پیشین پارلمان اروپا، این نخستین رنگین‌پوست است که خود را برای ریاست‌جمهوری فرانسه نامزد می‌کند.

- اگر از حالا تا ۲۱ آوریل اتفاق قابل‌عرضی نیفتد، پیش‌بینی می‌شود که از میان ۱۸ کاندیدای یادشده، ژاک شیراک و لیونیل ژوسپن به دور دوم انتخابات که روز یکشنبه ۵ مه ۲۰۰۲ برگزار خواهد شد، راه یابند.

پی‌نوشت:

(۱) گویان هنوز استقلال نیافته و جزو قلمرو فرانسه - محسوب می‌شود.